

خطاهای عاطفی در همسرگزینی

شایسته اکبرزاده^۱

چکیده

در نوشتار پیش رو تلاش شده است خطاهای عاطفی در همسرگزینی - به عنوان یکی از انواع خطاهای همسرگزینی - مورد بررسی قرار گیرد. دقت‌های اولیه انتخاب همسر می‌تواند خوشبختی‌های زندگی آینده را رقم بزند. با این وجود برخی جوانان دچار خطاهای عاطفی شده و سال‌ها پیامدهای این انتخاب نامناسب را تحمل می‌کنند. خطای تهدید روانی، خطای ترحم و دلسوزی (انتخاب اینارگرانه)، خطای پر کردن خلأهای عاطفی، خطای راضی نگه داشتن دیگران، خطای ناجی بودن، خطای عاشقانه، خطای ترس و نگرانی، خطای شرم بیجا، خطای حسن ظن افراطی، خطای خودکم‌بینی و... از مهم‌ترین خطاهای عاطفی در همسرگزینی است. پژوهش حاضر که از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، کتابخانه‌ای است؛ در صدد بررسی این خطاهاست.

واژگان کلیدی: ازدواج، همسرگزینی، خطای عاطفی.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ اخلاق و تربیت جامعه الزهراء ، قم، ایران. shakbarz21@gmail.com

مقدمه

نقطه آغازین شکل‌گیری نهاد مقدس خانواده، ازدواج است (به پژوه، ۱۳۸۸، ص ۲۴) که به عنوان پیوندی مقدس و بنایی محبوب نزد خداوند است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۱، ص ۳۴). هسته اصلی ازدواج که قوام و موفقیت زندگی مشترک را تضمین می‌کند، انتخاب و گزینش همسر است. انتخاب همسر مناسب رکن اساسی زندگی، آینده و سرنوشت هر شخصی است (پورحسینی، ۱۳۹۲، ص ۵۶). اگر به طور طبیعی و متعارف گذر عمر را بررسی کنیم، بیش از دو سوم آن با همسر سپری می‌شود (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۰، ص ۱۶). بنابراین انتخاب شریک زندگی را می‌توان مهم‌ترین انتخاب زندگی نامید؛ چرا که اگر این انتخاب درست باشد و افراد ازدواج موفق داشته باشند، به اهداف دیگر زندگی خود دست پیدا می‌کنند و اگر انتخاب نادرستی داشته باشند و درگیر یک زندگی پر تنش شوند، در دستیابی به سایر اهداف زندگی نیز با سختی مواجه می‌شوند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۵، ص ۵) و زندگی آینده آن‌ها با ناهمواری‌های فراوانی روبه‌رو خواهد شد؛ به‌گونه‌ای که یا زندگی پر تنش و نزاع خواهند داشت و یا سرانجام زندگی‌شان به طلاق ختم خواهد شد. امروزه آمار و ارقام نزاع‌های خانوادگی و طلاق در بیشتر جوامع بسیار نگران‌کننده است (ساداتیان و آذر، ۱۳۸۹، ص ۷). بر اساس پژوهش‌ها و تحقیقات، طلاق دارای علل متعددی است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها که به قبل از ازدواج باز می‌گردد، انتخاب اشتباه و به تعبیر دیگر نامناسب است (ملک محمد، ۱۳۹۵، ص ۱۵) برگزیدن شریک زندگی نامناسب، نتیجه انحراف در معیارهای ازدواج (داودی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۶۱) و خطاهایی است که فرد در مسیر همسرگزینی به آن مبتلا می‌شود. بنابراین فرد برای انتخاب همسر باید دقت کند تا از خطا مصون بماند؛ خطاهایی که اگر دختران یا پسران خواسته یا ناخواسته مرتکب شوند، پیامدی جز تشکیل خانواده‌ای توأم با ناراحتی و اختلاف نخواهد داشت و چه بسا به طلاق بینجامد (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۰، ص ۳۰۰). خطاهای همسرگزینی انواع مختلفی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به خطاهای شناختی، عاطفی و رفتاری اشاره کرد؛ زیرا انسان دارای سه بُعد بینشی، گرایشی و رفتاری است (ر.ک: گروه نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۲۲۱) و ممکن است در هر یک از این ابعاد دچار خطا شود.

خطاهای شناختی، خطاهایی هستند که عموماً منجر به نتیجه‌گیری اشتباه می‌شود؛ زیرا موجب اختلال در پردازش اطلاعات می‌شوند و فرد را از دستیابی به اطلاعات ناب محروم می‌کنند (قهاری، ۱۳۹۸، ص ۲۷۴). اگر چه ممکن است همه خطاها شناختی به نظر برسند؛ زیرا پشت هر رفتاری فکری نهفته است، اما ملاک تقسیم‌بندی خطاها این است که در مقام تصمیم‌گیری و انتخاب همسر خطا بیشتر به کدام یک از ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری تعلق می‌گیرد. خطاهای عاطفی، از جمله خطاهایی است که ممکن است فرد در مقوله عواطف و هیجانات در حین تصمیم‌گیری در مسیر همسرگزینی به آن دچار شود. آیا تا به حال به خاطر اینکه به احساسات کسی لطمه‌ای نزنید، با کسی قصد ازدواج کرده‌اید؟ آیا تا به حال فقط به این دلیل که دل کسی را نشکنید، قصد جواب مثبت داشته‌اید؟ آیا فکر می‌کنید شما منجی هستید و باید فردی را نجات دهید؟ (اثنی‌عشری، ۱۳۸۶، ص ۶۰) و... اگر جواب شما به این سؤالات مثبت باشد، شما در انتخاب همسر دچار خطای عاطفی شده‌اید.

دلایلی همچون ازدواج برای پر کردن خلأهای ناشی از خانواده مبدأ، اجبار خانواده برای ازدواج، ازدواج از سر دلسوزی، قبول ازدواج به خاطر حرف دیگران (شعاع‌کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۷۷)، ازدواج فقط به خاطر عشق، ازدواج به خاطر احساس حقارت و خودکم‌بینی، ازدواج به خاطر عدم اعتماد به توانایی‌ها و خودباوری، ازدواج به خاطر پر کردن خلأهای احساسی و روحی، ازدواج به خاطر زرق و برق‌های مادی، ازدواج به خاطر احساس گناه، ازدواج به خاطر گرسنگی جنسی، ازدواج به خاطر ترس در خانه ماندن (اثنی‌عشری، ۱۳۸۶، ص ۴۱)، برقراری رفاقت برای شناخت طرف مقابل و داشتن شخصیت و سواسی که از موانع شناخت مطلوب فرد مورد انتخاب است (ایمانی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۲) و نیز اشتباهاتی مانند نپرسیدن سؤالات کافی، نادیده گرفتن نشانه‌های هشداردهنده و تردیدها، سازش‌های عجولانه و... (شعاع‌کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۳۹) از جمله خطاهایی است که می‌تواند زمینه طلاق در آینده را به وجود آورد (همان، ص ۷۷).

گاهی ازدواج برای جلب رضایت خانواده و یا اطرافیان و گاه با هدف بهره‌کشی مانند نگهداری از فرزندان ازدواج اول، انجام امور منزل و... انجام می‌شود، بی‌توجه به اینکه برای

انجام این امور می‌توان از افراد دیگر کمک گرفت (داودی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۶۱). ازدواج باید به نیت ازدواج انجام شود، نه نیت دیگری. همان‌گونه که ازدواج با نیت رقابت و چشم و هم‌چشمی اشتباه است، ازدواج به نیت فرار از محیط خانواده نیز خطاست؛ زیرا در چنین شرایطی ممکن است فرد از چاله در آید و به چاه بیفتد. فردی که تنها به دنبال فرار از محیط خانه است، نمی‌تواند آن‌گونه که باید معیارها را در نظر بگیرد و همسر مناسب خود را انتخاب کند. بنابراین شاید به صورت موقت از محیط خانواده رها و آزاد شود، اما به یقین گرفتار بلای بزرگ‌تری می‌شود (عباسی ولدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۲۷).

بررسی پیشینه این موضوع و مطالعات و کاوش‌های انجام شده در این زمینه، گویای غفلت از تحقیق و پژوهش پیرامون خطاهای عاطفی در همسرگزینی به صورت مجزا در قالب کتاب و مقاله است؛ اگر چه منابع محدودی به صورت اجمالی تحت عناوینی همچون انحراف از ملاک‌های همسرگزینی، انگیزه‌های غلط برای ازدواج، اشتباهات بزرگ در همسرگزینی، دلایل نادرست ازدواج، موانع تحقیق و شناخت طرف مقابل به آن اشاره کرده‌اند. از این رو پژوهش حاضر در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که خطاهای عاطفی در همسرگزینی چیست؟

خطاهای عاطفی

خطاهایی همچون خطای تهدید روانی، ترحم و دلسوزی، پر کردن خلأ عاطفی، رضایت دیگران، ناجی بودن، عاشقانه، تأثیرپذیری از نظر دیگران، گرسنگی جنسی، ترس و نگرانی، شرم بیجا و اعتماد و حسن‌ظن افراطی، خودکم‌بینی از جمله خطاهای عاطفی در همسرگزینی است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. تهدید روانی

بعضی افراد به این خاطر ازدواج می‌کنند که شریک‌شان در وضعیتی قرار دارد که می‌گوید: «من نمی‌توانم بدون تو زندگی کنم» یا «اگر من را ترک کنی، خودکشی خواهم کرد». از آنجا که شخص می‌ترسد که مبدا شریکش خودکشی کند، با او ازدواج می‌کند. مشکل چنین ازدواج‌هایی این است که شریک یاد گرفته است تا برای به دست گرفتن رابطه، آن را کنترل کند. استفاده از چنین قدرتی معمولاً موجب رنجش دیگری می‌شود و فرد احساس می‌کند

به دام ازدواج افتاده است. در چنین شرایطی رهایی از ازدواج، حتی به مراتب مشکل‌تر می‌شود. یکی از راه‌های مقابله با چنین موقعیت تهدید روانی، این است که شریک‌تان را ترغیب کنید تا برای بررسی رابطه با شما به درمانگر مراجعه کند. آن‌ها آموزش دیده‌اند تا به چنین موقعیت‌هایی پاسخ دهند (نوکس و اسکاج، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۵۶).

۲. ترحم و دلسوزی (انتخاب اینارگرانه)

گاهی پسر یا دختری از روی ترحم و دلسوزی با فردی که شأنیت و هم‌طراری لازم با او را ندارد، ازدواج می‌کنند (پناهی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸) و می‌گویند: «من خود به خوبی می‌دانم فردی که قرار است با وی ازدواج کنم، چه مشکلاتی دارد؛ اما دلم برایش می‌سوزد. نمی‌توانم او را به حال خودش بگذارم. او در وضعیتی است که نیاز به کمک دارد و من نمی‌توانم او را از خود برانم» (قهاری، ۱۳۹۸، ص ۲۰۲). عباراتی همچون «طفلی که دختر یا پسر نازنینی است، دانشجویی تنهایی بود که پول نداشت، خواستم زیر بال و پرش را بگیرم. پدر و مادر یا هر دو را نداشت. افسرده بود. فقط قصد داشتم به او کمک کنم و...»، گویای آن است که اینجا عشق در کار نیست؛ بلکه یکی ناجی و دیگری قربانی است. بهتر است این موضوع را بدون تعارف و رودربایستی و به کمک مشاور ازدواج با او مطرح کنید. ارتباطی که با ترحم، دلسوزی و نیت خیر شروع شود، به احتمال زیاد دچار مشکل خواهد شد (شمیسا، ۱۳۹۴، ص ۲۶۲ و ۲۶۳).

چه بسا دخترانی که با پسری که بیماری جسمانی یا روانی دارد، فقط به دلیل تحریکات عاطفی ازدواج می‌کنند. اگرچه چنین ازدواج‌هایی در ابتدای کار، اخلاقی و انسانی به نظر می‌رسد (پناهی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸)، اما در ظرفیت هر کسی هم نیست و ممکن است بعد از مدت کوتاهی، ربه خاموشی رود و شخص خود را برای چنین انتخابی سرزنش و توبیخ کند (دینی‌پور، ۱۳۹۸، ص ۶۷). از آنجا که صحبت یک عمر زندگی است، معمولاً مرد یا زن خسته می‌شود و هم خودش را نفرین می‌کند و هم زندگی را به جهنمی سوزان تبدیل می‌نماید (پناهی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸). خانم‌ها اغلب دلسوزی می‌کنند و در واقع با نقابی از دلسوزی می‌خواهند با دیگری ازدواج کنند و چاره‌ای جز ازدواج برای خود نمی‌بینند. افرادی که از روی ترحم با کسی ازدواج می‌کنند، اغلب خود از نادرستی انتخاب‌شان آگاه هستند؛ اما به دلایلی همچون

علاقه، ترحم و احساس گناه خود را ملزم به ازدواج می‌دانند. این افراد مدتی پس از ازدواج در قالبی از خشونت، توقع، طلبکاری و سرسختی گیر می‌کنند و از طرف مقابل انتظار اطاعت دارند؛ زیرا بر این باورند که با ازدواج با او به وی لطف کرده‌اند، پس طرف مقابل هم باید همیشه و در هر حال شرایط آن‌ها را بپذیرد و حتی رفتارهای نامناسب آن‌ها را تحمل کند. در اغلب موارد پس از گذشت مدت زمانی از زندگی مشترک، آن‌ها از انتخاب خود احساس نارضایتی، گناه و یا پشیمانی می‌کنند و با سرزنش کردن خود به دام افسردگی می‌افتند.

این افراد در صورت رویارویی با مشکلات اجتناب‌ناپذیر زندگی، همواره از اینکه مجبور شدند از روی دلسوزی انتخابی بر خلاف میل خود داشته باشند، از خود و همسرشان خشمگین هستند. آن‌ها می‌اندیشند طرف مقابل مدیون آن‌هاست و دقیقاً به همین دلیل باید در موارد بسیاری کوتاه بیاید. این در حالی است که منت گذاشتن، توقع بیش از اندازه و تحقیر همسر در رابطه زناشویی، طرف مقابل را بسیار آزرده می‌کند تا جایی که برایش غیر قابل تحمل می‌شود (قهاری، ۱۳۹۸، ص ۲۵۳). بنابراین جوانان باید بر اساس معیارهای منطقی و واقع‌بینانه ازدواج کنند و از تصمیمات احساسی پرهیز نمایند؛ زیرا تصمیمات احساسی معمولاً هدفمند و واقعی نیستند. احساسات به سرعت معدوم می‌شود و دوام زیادی ندارد (پناهی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹) و نمی‌توان پیش‌بینی کرد که حس ترحم تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؛ زیرا فرد پس از مدتی به عواطف دیگری که موجب ادامه حیات زناشویی می‌شوند، نیاز خواهد داشت (شمیسا، ۱۳۹۴، ص ۴۸). آیا به راستی تنها راه کمک کردن به فردی که تنه‌است، پول ندارد، افسرده است و... ازدواج کردن با وی است؟ آیا راه دیگری غیر از قربانی کردن خود وجود ندارد؟ آیا این تئوری نیاز به تأمل و بازسازی ندارد؟

۳. پر کردن خلأ عاطفی

دانش‌آموز دختری می‌گفت پدرش به دلیل سرطان مرده است. مرگ او موجب ایجاد خلأی در او شده بود که وی را به این سمت سوق می‌داد تا به سرعت ازدواج کند؛ بنابراین خواستار مردی در زندگی‌اش بود. از آنجا که تمرکز او روی پر کردن این خلأ بود، به ویژگی‌های شخصیتی و ارتباطی مردی که از او تقاضای ازدواج کرده بود، توجه کمی داشت. او توضیح داد که شب

عروسی اش متوجه شده است که همسرش چندین دوست دختر دیگر دارد؛ در حالی که قصد ترک کردن آن‌ها را ندارد و در نتیجه عروسی به هم خورد. جوان برای تصمیم‌گیری باید متوجه باشد که آیا احساسی که دارد، درست است؟ آیا فرد مقابل را دوست دارد یا فکر می‌کند که دوست دارد؟ همچنین باید شباهت‌هایی را که میان خود و فرد مقابل می‌بیند، بررسی کند و ببیند آیا در ارزش‌های اساسی و اهداف زندگی، دیدگاه مشترکی دارند؟ جوان برای ازدواج کردن باید واقع‌گرا باشد؛ زیرا نبودن هیچ یک از این موارد، غیرعادی است. بسیاری از مردم قبل از اینکه ازدواج کنند، برای خود شاخص‌های مثبت و منفی دارند (نوکس و اسکاچ، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۵۸).

۴. راضی نگه داشتن دیگران

سرشت و تربیت عده‌ای از افراد به‌گونه‌ای است که قدرت مخالفت با درخواست دیگران را ندارند. این افراد همواره در زندگی تلاش کرده‌اند به خواست دیگران رفتار کنند، همه را از خود راضی نگه دارند و کسی را نرنجانند؛ حتی اگر خودشان ناراحت شوند. در واقع این افراد، شخصیت وابسته و مطیع دارند که موجب می‌شود خواسته‌ها، امیال و اهداف‌شان در زندگی سرکوب شود و بعد از مدتی گرفتار انفجار، سرخوردگی و افسردگی شوند؛ هر چند برخی از آن‌ها با همین روش خود را در دل دیگران جا می‌کنند. این افراد ممکن است در مقابل پیشنهاد ازدواج، رودربایستی کنند و نتوانند علی‌رغم میل باطنی‌شان ابراز مخالفت نمایند. گاهی فرد در دام خودش گرفتار می‌شود؛ یعنی عاشق کسی می‌شود، اما متوجه می‌شود که طرف مقابلش شخص مناسبی نیست و از آنجا که توانایی «نه» گفتن را ندارد، نمی‌تواند طرف خود را طرد کند و از این کار احساس گناه می‌کند و یا می‌ترسد که متهم به خیانت شود. آن‌ها در چنین شرایطی به خاطر آینده خود و دیگری شجاعت به خرج می‌دهند و داروی تلخ جدایی را می‌نوشند تا در آینده، خود و دیگری را اسیر اشتباه نکنند (ریحانی، ۱۳۸۹، ص ۳۴). بنابراین هیچ‌گاه نباید برای خشنود کردن دیگران ازدواج کرد؛ زیرا مهم نیست دیگران درباره انتخاب فرد چه نظری می‌دهند و آن‌ها را متناسب با هم می‌دانند یا خیر (وارن، ۱۳۸۱، ص ۲۴). چنین افرادی همیشه می‌خواهند دیگران را راضی نگه دارند تا حس نیاز به تأیید و توجه طلبی خودشان را ارضا کنند؛ در حالی که انتخاب این مسیر برای برآورده کردن این

نیاز اشتباه است. هیچ چیز ارزش این را ندارد که آدمی فردی را که قرار است بیش از نیمی از عمر خود را با او سپری کند، این‌گونه انتخاب کند. آدمی که برای جلب رضایت دیگران دست به چنین انتخابی می‌زند، ممکن است نتواند رضایت او را در زندگی تأمین کند و چه بسا رضایت از زندگی خود و او را خدشه‌دار کند. در واقع فردی که به دنبال رضایت دیگران است، رضایت زندگی خود و همسرش را قربانی می‌کند.

۵. ناجی بودن

برخی جوانان در بیان هدف‌شان از زندگی می‌گویند: «می‌خواهم به وی کمک کنم تا اعتیاد را ترک کند. هدفم این است که از معجون عشق برای شفای بیماری روانی او کمک بگیرم». این جملات و عبارات‌های کلیشه‌ای، بیانگر آن است که فرد در واقع نقش یک ناجی را بازی می‌کند؛ کسی که کلاهخود و زره جنگ پوشیده است و می‌خواهد با اعتیاد، بیماری و دیگر دردهای معشوق بجنگد. اغلب ناجی‌ها، «خانم» هستند؛ اگر چه برخی مردان نیز نقش ناجی را بازی می‌کنند و معتقدند از طرف خداوند مأمور شده‌اند تا دیگری را از بدبختی نجات دهند. این افراد ممکن است به اندازه‌ای در نقش خود ذوب شوند که متوجه توان و امکانات اندک خود برای مبارزه نباشند و به اشتباه خود را «ابرمن» و «قادر مطلق» تصور کنند؛ ابرمنی که می‌تواند گره‌های کور دیگران را بگشاید و آن‌ها را از بدبختی و مصیبت برهاند (قهاری، ۱۳۹۸، ص ۲۰۵). ازدواج کردن انسان با فردی بی‌عرضه، بی‌کار، بی‌سر و زبان، گوشه‌گیر، فقیر، دارای خانواده بی‌سامان و معتاد با این انگیزه که به وسیله ازدواج او را از آن وضعیت خارج کند؛ موجب می‌شود آدمی نقش واقعی خود به عنوان همسر را از دست بدهد و به پدر، مادر، مربی یا درمانگر آن فرد تبدیل و در نتیجه بعد از مدتی متوجه شود که با او سازگاری ندارد و نه تنها عاشق او نبوده است؛ بلکه چیز دیگری به غیر از عشق آن‌ها را به هم پیوند داده است (ر.ک: ریحانی، ۱۳۸۹، ص ۳۵ و ۳۶).

۶. خطای عاشقانه

گاه غلبه امواج احساسات و هیجان دل‌باختگی موجب می‌شود بستر آرامش، اندیشه و تعقل در ارزیابی بایسته معیارهای کفویت متلاطم شود. در برخی مواقع اصرار فوق‌العاده

و حتی تهدید آمیز پسر یا دختر داوطلب ازدواج و یا هر دو طرف، موجب سلب فرصت مطالعه، بررسی، تحقیق، ارزیابی، سنجش معیارهای تناسب و کفویت و همراهی خانواده‌ها می‌شود (افروز، ۱۳۸۹، ص ۵۹). عشق و علاقه شدید به طرف مقابل، از اموری است که نه تنها مانع تحقیق و بررسی ویژگی‌های او می‌شود؛ بلکه موجب می‌شود نقاط ضعف روشن فرد نادیده گرفته و یا توجیه شود (حسین خانی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸)؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «عَبُّنُ الْمُحِبِّ عَمِيَّةٌ عَنِ مَعَايِبِ الْمُحِبُّوبِ وَأُذُنُهُ صَمَاءٌ عَنِ قُبُحِ مَسَاوِيهِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۸)؛ چشم عاشق از دیدن معایب معشوق نابینا و گوش او از شنیدن بدی‌های او ناشنواست».

بی‌شک وقتی پایه‌های ازدواج بر داغی عشق و سستی دل‌باختگی استوار شود، در بسیاری از موارد در همان ماه‌ها و سال‌های اول زندگی با سرد شدن حرارت عشق و هوشیاری نسبی دل‌باخته‌ها، شاهد سردی رابطه‌ها و لرزانی پایه‌های ازدواج خواهیم بود (افروز، ۱۳۸۹، ص ۵۹). به طور کلی درصد طلاق در میان کسانی که بر مبنای خواست والدین خود یا گروه دیگری از جمع ازدواج می‌کنند، بسیار پایین‌تر از درصد طلاق میان کسانی است که به خاطر عشق ازدواج می‌کنند. اگر قاعده عشق را اتمام نسبی آن با وصال تصور کنیم؛ پس کسانی که با عشق ازدواج می‌کنند، با رسیدن به معشوق از شدت هیجان‌شان کاسته و رابطه‌شان اندک اندک به یک رابطه عادی تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی است که با کاهش آن هیجان، قاعده‌های شناختی حاضر به انتخاب این فرد برای زندگی نیست (جان‌بزرگی، ۱۳۹۷، ص ۱۹۸). در واقع اشخاص کمی هستند که ازدواج را بدون عشق تصور کنند، اما اگر عشق به عنوان تنها معیار در نظر گرفته شود؛ سایر توانایی‌های فردی و بین فردی دور خواهند ماند (اسدپور، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

۷. تأثیرپذیری از نظر دیگران

گاهی قضاوت درباره فردی، تحت تأثیر نظرات شخصی سایرین قرار می‌گیرد. برای مثال خواهر، برادر، اعضای فامیل و دوستان و آشنایان در مجامع خصوصی و دوستانه درباره فردی تعریف و تمجید می‌کنند و چنان با هیجان صحبت می‌نمایند که فرد مشتاق دیدار

وی می‌شود. باید توجه داشت نقل قول‌هایی که درباره این‌گونه افراد می‌شود، صرفاً استنباط شخصی است؛ چه بسا هنگامی که آدمی با فرد مورد نظر برخورد می‌کند، نظرش جلب نمی‌شود؛ زیرا دیگران بر حسب معیارهای خود درباره فرد اظهار نظر می‌کنند و امیال، خواسته‌ها و آرمان‌های فرد متقاضی ازدواج را نمی‌دانند. در واقع فرد متقاضی ازدواج است که قصد زندگی کردن با فرد مقابل را دارد. بنابراین اگر شخصی را به او پیشنهاد می‌کنند، نباید تحت تأثیر گفتار و سفارش دیگران قرار گیرد؛ بلکه با ملاک و معیارهای مناسب دست به انتخاب بزند. اگر چه مشورت با دیگران بسیار خوب است، اما در انتها تصمیم‌گیرنده اصلی، فرد متقاضی ازدواج است (ر.ک: ریحانی، ۱۳۸۹، ص ۳۹).

۸. گرسنگی جنسی

یکی از مسائلی که مانع تصمیم‌گیری صحیح در ازدواج می‌شود، میل جنسی است. فرد جوانی که می‌داند با ازدواج کردن به میل جنسی خود پاسخ دهد، تلاش می‌کند به سرعت ازدواج کند تا به میل جنسی خود پاسخ دهد (شعاع‌کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۴۴). این فرد برای آنکه شهوت خود را موجه جلوه دهد، ابتدا ابراز علاقه و عشق و سپس اقدام به ازدواج می‌کند و پس از تخلیه و ارضا شدن، متوجه تفاوت‌های خود با همسرش می‌شود. تداخل شهوت با عشق، فرد را متقاعد می‌کند که با طرف مقابل احساس تفاهم دارد؛ در حالی که فقط نسبت به او احساس شهوت دارد و در نهایت با این حقیقت روبه‌رو می‌شود که ازدواج آن چیزی نیست که می‌پنداشت؛ زیرا وقتی فشار جنسی را احساس می‌کند، آمادگی آن را دارد که با هر کسی که از راه برسد؛ رابطه‌ای جدی برقرار کند. از این‌رو خود را متقاعد می‌کند که کارش درست است و چشم خود را بر روی آنچه می‌بیند، می‌بندد (اثنی‌عشری، ۱۳۸۶، ص ۶۲ و ۶۳). در قدیم برای مصون ماندن جوانان از این اشتباه، اولین جلسه خواستگاری بدون حضور پسر برگزار می‌شد و تلاش بر این بود که ابتدا خانواده‌ها با هم به توافق برسند. این در حالی است که امروزه جوان‌ها خودشان می‌کوشند از این اشتباه دوری کنند و بیاموزند که خود را از تأثیر کورکننده جاذبه جنسی دور نمایند. اگر فردی نتواند خود را از افسون جاذبه جنسی رها کند، احتمال اینکه در دام یک ازدواج ناموفق بیفتد؛ زیاد است. برای

مصون ماندن از این اشتباه، باید با حوصله و بدون عجله در طول زمان با فرد مقابل آشنا شد (شعاع‌کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۴۴).

۹. ترس و نگرانی

برخی افراد برای گفتن «بله» و برخی دیگر برای گفتن «نه» ترس زیادی دارند (اثنی‌عشری، ۱۳۸۶، ص ۷۸). آن‌ها می‌ترسند نتوانند شخصی دیگر یا دست‌کم کسی را بهتر از فرد فعلی یا به همین اندازه خوب است، پیدا کنند (وارن، ۱۳۸۱، ص ۱۱۶). گاهی این نگرانی موجب می‌شود فرد، تحقیق را مورد بی‌توجهی قرار دهد. این در حالی است که اولاً ممکن است در آینده فرد شایسته‌تری مطرح شود و ثانیاً حتی اگر در آینده فرد مناسبی پیدا نشود، ممکن است مجرد ماندن بهتر از ازدواج با فردی نالایق و ناسازگار ارزیابی شود (حسین‌خانی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۹). باید توجه داشت که ترس، ناشی از عدم شناخت خداوند و زاییده کمبود و کاستی است. در واقع ترس، نشناختن قدرت معنوی خویشتن است و از شک و تردید آدمی نسبت به هویتش ناشی می‌شود. هر گاه فرد یقین داشته باشد که هیچ‌گاه تنها نیست و یک راهنمای معنوی همیشه و در هر حال در دسترس اوست، از سقوط در دام ترس رهایی می‌یابد. ترس‌هایی که در ازدواج رخ می‌دهد، ترس‌هایی است که ذهن را مسموم می‌کنند و تن و تخیل، سر به شورش بر می‌دارند و هر چه ناخوشی و بلاست، به سوی خود می‌کشاند. در حقیقت در هر عمل ناشی از ترس، نطفه شکست نهفته است (اثنی‌عشری، ۱۳۸۶، ص ۸۰-۷۸). بازتاب بیرونی ترس والدین از بی‌خواستگار ماندن دخترشان، به شکل‌های مختلفی مانند بهانه‌تراشی، غرغر کردن، محدودیت‌های رفتاری ظاهر می‌شود و ناخودآگاه به فرزندشان انتقال می‌یابد تا آنجا که پس از چندی احساس بدی نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند و تحمل یکدیگر برایشان سخت و این رفتار، موجب فرار دختران می‌شود.

دختری که در چنین شرایطی قرار می‌گیرد، ممکن است یا به اولین خواستگار با هر شرایطی جواب مثبت دهد که به احتمال قوی انتخاب مناسبی نیست؛ زیرا او می‌خواهد از والدین فرار کند و والدین می‌خواهند از دست او راحت شوند و یا اینکه در خانه کمتر حضور پیدا می‌کند و با بهانه‌هایی همچون کلاس‌های دانشگاه، کار، کلاس‌های هنری،

آموزشی و ...، عدم حضور خود را موجه جلوه می‌دهد. وقتی دختری خانه را محل آرامش و امنیت خود نداند و شخصیت او برای تأخیر ازدواج مورد هجوم قرار گیرد، طبیعی است که خانه برایش به جهنمی تبدیل می‌شود که هر لحظه در اندیشه‌های او از آن است و از اولین پیشنهاد سودجویانه که می‌تواند در بیرون از کشور برای او زندگی خوبی را به ارمغان آورند، استقبال می‌کند؛ بدین سان از چاله در می‌آید و به چاه می‌افتد. والدین باید بدانند چنین تصمیماتی که منجر به نابودی خانواده و فرزند می‌شود، زاییده ترس^۱ و ترس، نوعی شرک است (اثنی‌عشری، ۱۳۸۶، ص ۸۷ - ۸۵).

گاهی فرد، طرف مقابل را به خاطر ترس از بی‌آبرویی انتخاب می‌کند. برای مثال فرد در فرایند خواستگاری که فرصتی برای شناخت طرف مقابل و به نوعی یکی از گام‌های همسرگزینی است و می‌تواند فرصت محک زدن انتخاب خود را داشته باشد، متوجه مسائلی می‌شود که هرگز آن‌ها را تصور نمی‌کرد؛ مسائلی مانند اختلالات شخصیتی، اعتیاد به مواد مخدر، بیماری‌های خاص، دست بزن داشتن طرف مقابل، خساست و ...، اما با چنین آگاهی در انتخاب خود تجدید نظر نمی‌کند؛ زیرا خودش یا والدینش به هم خوردن نامزدی را موجب بی‌آبرویی می‌دانند و با این نگرش جاهلی و با انگیزه حفظ حیثیت و آبروی خانوادگی، کاری می‌کنند که هیچ دشمنی در حق فرزند نکرده است (دینی‌پور، ۱۳۹۸، ص ۶۷). اگر آدمی با چنین انتخاب نامناسبی زندگی مشترک را شروع کند، احتمال ادامه زندگی کردنش بیشتر است یا طلاق؟ فرد نامزدی‌اش را به هم بزند، بهتر است یا در آینده طلاق بگیرد؟ آسیب کدام یک بیشتر است؟ والدین چه تضمینی برای ادامه این زندگی دارند؟ اگر نامزدی فرد به هم بخورد، آبروی خانوادگی بیشتر خدشه‌دار می‌شود یا هنگامی که در زندگی به نتیجه برسد که باید طلاق بگیرد؟

۱. «آیا فکر می‌کنید مخارج او زیاد است و دیگر تحمل آن را ندارید؟ آیا فکر می‌کنید خداوند فراموش کرده است که چنین بنده‌ای دارد و او نیاز به همسر دارد؟ آیا فکر می‌کنید اگر ازدواج نکند، شما مجبور می‌شوید تا آخر عمر مخارج او را بپردازید؟ آیا فکر می‌کنید اگر ازدواج نکند، موجب سرفکندگی شماست و دیگران شما را سرزنش می‌کنند؟ این‌ها و هیچ بهانه دیگری، دلیل آن نیست که شما ترس را جایگزین عشق به فرزندان‌تان کنید» (ر.ک: اثنی‌عشری، ۱۳۸۶، ص ۸۷).

۱۰. شرم بی مورد

گاهی فرد به دلیل شرم بی مورد، تحقیق کردن درباره طرف مقابل را امری ناپسند می‌داند و از آن اجتناب می‌کند. این امر که به ویژه درباره بستگان و آشنایان اتفاق می‌افتد، موجب می‌شود فرد به حداقل اطلاعات درباره طرف مقابل اکتفا کند و خود را در آستانه خطری بزرگ قرار دهد (حسین خانی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۷). گاهی نیز در دیدارها و گفتگوهای مقدماتی برای آشنایی و شناخت یکدیگر، پسرها و به ویژه دخترها از نگاه کردن و یا از حرف زدن با طرف مقابل احساس شرم می‌کنند که این کار ثمره‌ای جز عدم شناخت کافی، از دست دادن فرصت شناخت طرف مقابل و پیشمانی در آینده ندارد.

۱۱. اعتماد و حسن ظن افراطی

گاهی فرد معرف دارای اعتبار خاصی در خانواده است تا آنجا که فرد نیازی به تحقیق احساس نمی‌کند. این در حالی است که حتی اگر فرد معرف امین و کاملاً مورد اعتماد باشد، فرد مقابل را از زاویه نگاه خود دیده و معرفی کرده است. از آنجا که در چنین شرایطی امکان مخفی ماندن زوایای دیگر فرد از چشم معرف وجود دارد، تحقیق و بررسی کاملاً ضروری و لازم است. گاهی نیز فرد متقاضی ازدواج به خاطر موقعیت و عنوان طرف مقابل به او حسن ظن پیدا می‌کند و از تحقیق درباره او خودداری می‌نماید. برای مثال درباره فرزند شخصیت‌های دینی، سیاسی و... تحقیق نمی‌کند. این در حالی است که در امر خطیر انتخاب همسر، احتمال شایسته بودن کافی نیست و این احتمال باید به مرحله یقین یا اطمینان برسد (حسین خانی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۰).

این اشتباه ممکن است در ازدواج‌های فامیلی یا ازدواج با دوستان و آشنایان رخ دهد. اگر چه فرد مورد نظر از اقوام یا دوستان است و آدمی تا حدودی او را می‌شناسد، اما این شناخت در حد همان قوم و خویش بودن یا دوست و آشنا بودن است؛ نه خواستگاری که باید ویژگی‌هایش را با معیارها و ملاک‌هایی که فرد برای همسر آینده‌اش در نظر گرفته است، تطبیق دهد و بررسی کند. آن فرد ممکن است در نقش قوم و خویش یا دوست و آشنا فرد خوبی باشد، اما باید بررسی شود که آیا می‌تواند در نقش همسری نیز خوب باشد؟ چه بسیار

افرادی که در نقش قوم و خویش یا دوست و آشنا، فرد بسیاری خوبی بودند؛ اما نتوانستند همسر خوب و مناسبی برای شریک زندگی شان باشند. بنابراین اعتماد به همان شناخت فامیل یا آشنا بودن ممکن است فرد را دچار خطا کند و در نتیجه تحقیق و بررسی لازم به‌ویژه ارزیابی تناسب شخصیتی انجام نشود و در نهایت کاری بشود که نباید می‌شد.

۱۲. خطای خودکم‌بینی

دخترانی که نوعی دچار خودکم‌پنداری هستند، احساس می‌کنند باید به اولین کسی که از آن‌ها خواستگاری می‌کند؛ جواب مثبت دهند و از آنجا که اعتماد به نفس پایینی دارند، می‌اندیشند اگر تعلق کنند، ممکن است خواستگار عقب‌نشینی کند و آن‌ها در خانه پدر بمانند؛ از این رو با شتاب زندگی هر چه تمامتر دست به انتخاب نامناسب می‌زنند (دینی‌پور، ۱۳۹۸، ص ۶۵). پسرانی نیز هستند که به خاطر خودکم‌بینی و عدم شناخت خود، خود را شایسته آن نمی‌بینند که بتوانند با فردی ازدواج کنند. چنین فردی ممکن است به خاطر این احساسات منفی و بی‌ارزشی و خودکم‌بینی یا هیچ‌گاه ازدواج نکند و یا به خواستگاری فردی برود که حداقل امتیازاتش را دارد. همچنین ممکن است به محض آنکه دختری پاسخ مثبت داد، با حس پذیرفته شدن از سوی کسی، بدون بررسی معیارهای همسرگزینی دست به انتخاب بزند و چه بسا در آینده متوجه اشتباه خود شود.

پشتوانه چنین انتخاب‌هایی، ضعف شخصیتی و خودکم‌بینی فرد است. چنین فردی باید برای درمان این احساسات منفی ابتدا به درمانگر رجوع و بعد از درمان اقدام به انتخاب کند؛ زیرا با وجود این هیجان‌ات منفی، پایه انتخابش سست و بی‌اساس است. فندانسیون انتخابی زمانی قوی است که بر اساس معیارهای فرد باشد، نه بر اساس ضعف‌های فرد. برای درست کردن ساختمان زندگی مشترک باید ستون‌های بتی و آهنی داشت، نه یونولیتی و پوشالی؛ چنانکه نردبانی که پله‌هایش از ابر یا یونولیت باشد، تنها ظاهر زیبایی دارد، اما برای بالا رفتن مناسب نیست؛ زیرا فرد در همان پله‌های نخستین به زمین می‌خورد و ممکن است متحمل خسارت جبران‌ناپذیری شود.

نتیجه‌گیری

افراد در فرایند همسرگزینی ممکن است دچار خطاهای عاطفی شوند. برای مثال گاهی طرف مقابل ملاک‌های فرد را ندارد، اما چون طرف مقابل تهدید به خودکشی کرده است، متقاضی ازدواج می‌ترسد و با او ازدواج می‌کند. گاهی نیز افراد به سبب ترحم و دلسوزی با فردی که با شأنیت ازدواج با آن‌ها را ندارند، ازدواج می‌کنند. این در حالی است که نمی‌توان پیش‌بینی کرد حس ترحم تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؛ زیرا فرد پس از مدتی به عواطف دیگری که موجب ادامه حیات زناشویی می‌شوند، نیاز خواهد داشت. در چنین ازدواج‌ها نیز ممکن است فرد پس از ازدواج از طرف مقابل انتظار اطاعت داشته باشد؛ زیرا بر این باور است که طرف مقابل مدیون اوست و به همین علت نیز در موارد بسیاری باید در برابر خواسته‌ها او کوتاه بیاید.

برخی افراد قدرت مخالفت با درخواست دیگران را ندارند و می‌کوشند همه را از خود راضی نگه دارند. چنین افرادی ممکن است در قبال پیشنهاد کسی برای ازدواج، رودربایستی کنند و نتوانند علی‌رغم میل باطنی‌شان ابراز مخالفت نمایند. در این حالت افراد باید با شجاعت تصمیم صحیح بگیرند و خود و دیگری را اسیر اشتباه نکنند. برخی دیگر از افراد نیز بر این باورند که از طرف خداوند مأمور شده‌اند تا دیگری را از بدبختی نجات دهند. اگر فرد می‌داند طرف مقابل انسانی بی‌عرضه و ... است و می‌اندیشد با ازدواج کردن با او می‌تواند به وی کمک کند، در واقع نقش ناجی را بازی می‌کند و نقش واقعی خود را به عنوان یک همسر از دست می‌دهد.

عشق و علاقه شدید به طرف مقابل نیز نه تنها مانع تحقیق و بررسی ویژگی‌های او می‌شود؛ بلکه موجب می‌شود نادیده گرفتن نقاط ضعف روشن یا توجیه کردن آن‌ها می‌شود. اگر عشق به عنوان تنها معیار در نظر گرفته شود، سایر توانایی‌های فردی و بین فردی از نظر دور خواهند ماند.

گاهی قضاوت فرد تحت تأثیر نظرات شخصی دیگران است. باید توجه داشت که نظرات دیگران، صرفاً استنباط شخصی است و این فرد متقاضی ازدواج است که قصد زندگی با فرد

مورد نظر را دارد، نه دیگران. بنابراین فرد باید با معیارهای مناسب دست به انتخاب بزند. مشورت کردن با دیگران در این مسیر خوب است، اما در هر حال تصمیم‌گیرنده اصلی و نهایی، فرد متقاضی ازدواج است. گاهی نیز برای ارضای نیاز جنسی خود، به سرعت ازدواج می‌کند و برای آنکه شهوت خود را موجه جلوه دهد، ابتدا ابراز علاقه و سپس اقدام به ازدواج می‌کند. چنین فردی پس از ارضا شدن، احساس می‌کند که با همسرش تفاوت‌های بسیاری دارد. تداخل شهوت با عشق، فرد را متقاعد می‌کند که با طرف مقابل احساس تفاهم دارد؛ در حالی که فقط نسبت به او احساس شهوت دارد.

برخی افراد از «بله» گفتن و برخی دیگر از «نه» می‌ترسند. ترس آن‌ها به این سبب که شاید نتوانند شخصی دیگر یا کسی را بهتر از فرد فعلی یا به همین اندازه خوب است، پیدا کنند. ترس‌هایی که در ازدواج رخ می‌دهد، ترس‌هایی است که ذهن را مسموم می‌کنند. گاه در دیدارها، پسران و به‌ویژه دختران از نگاه کردن و یا از حرف زدن با طرف مقابل احساس شرم می‌کنند که ثمره این کار چیزی جز از دست دادن فرصت شناخت طرف مقابل و پشیمانی در آینده نیست.

اگر جوانان به دلیل موقعیت طرف مقابل، به او حسن ظن داشته باشند و یا به سبب اعتماد بیش از حد به معرف، از تحقیق کردن شانه خالی کنند؛ ازدواج خوشایندی نخواهند داشت؛ زیرا معرف فرد مقابل را از دریچه نگاه خود معرفی کرده است و ممکن است زوایای دیگری از شخصیت فرد پنهان مانده باشد. گاهی احساس خودکم‌بینی نیز موجب می‌شود فرد اولین کسی را که می‌بیند یا به خواستگاری می‌آید، بدون تحقیق و بررسی بپذیرد. پشتوانه چنین انتخابی معیارهای همسرگزینی نیست؛ بلکه ضعف شخصیتی و خودکم‌بینی فرد است که اشتباه است. از این‌رو جوانان و والدین باید در مسیر همسرگزینی مراقبت‌های لازم را داشته باشند تا در انتخاب طرف مقابل دچار خطاهای عاطفی که گاه پنهان است و برای برخی ملموس نیست، نشوند و با پشتوانه‌های حقیقی مانند معیارها و ملاک‌های واقع‌بینانه دست به انتخاب طرف مقابل بزنند.

فهرست منابع

عربی

۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶ ش)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات.
۲. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ ق)، الوافی، چاپ اول، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

فارسی

۱. اثنی عشری، محمد، (۱۳۸۶ ش)، هرگز ازدواج نکنید مگر با نیمه گمشده الهی تان، چاپ دوم، اصفهان: نقش نگین.
۲. اسدپور، اسماعیل، (۱۳۸۵ ش)، «باورهای غیر منطقی در مورد انتخاب همسر»، دو ماهنامه روانشناسی جامعه، ش ۳۷، ص ۳۰-۲۸.
۳. افروز، غلامعلی، (۱۳۸۹ ش) مبانی روان شناختی ازدواج، چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. ایمانی، محسن، (۱۳۸۶ ش)، شیوه‌های شناخت و گزینش همسر، چاپ دوم، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۵. به‌پژوه، احمد، (۱۳۸۸ ش)، ازدواج موفق و خانواده سالم، چگونه؟، چاپ اول، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۶. پناهی، علی احمد، (۱۳۹۰ ش)، همسرگزینی چرا و چگونه؟، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۷. پورحسینی، سیدعلی، (۱۳۹۲ ش)، دو کوجه قبل از بله: آموزش‌های پیش از ازدواج، چاپ هفتم، مشهد: آهنگ قلم.
۸. جان‌بزرگی، مسعود، (۱۳۹۷ ش)، مشاوره پیش از ازدواج، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. حسین خانی، هادی، (۱۳۹۲ ش)، فرایند همسرگزینی، چاپ سوم، قم: نشر بنشاسته.
۱۰. حسینی بیرجندی، سید مهدی، (۱۳۹۱ ش)، آموزش و مشاوره قبل از ازدواج، چاپ دوم، تهران: آوای نور.
۱۱. داودی‌نژاد، مسلم، (۱۳۹۱ ش)، سین جین‌های خواستگاری، چاپ ۱۲، قم: مهر فاطمه علیها السلام.
۱۲. دینی‌پور، علی، (۱۳۹۸ ش)، انتخاب عاقلانه زندگی عاشقانه، چاپ اول، قم: مشهور.
۱۳. ریحانی، حمید، (۱۳۸۹ ش)، شناخت و انتخاب در خواستگاری، چاپ اول، تهران: بعثت.
۱۴. ساداتیان، سید اصغر و ماهیار آذر، (۱۳۸۹ ش)، آمادگی و شرایط لازم برای ازدواج، چاپ اول، تهران: ما و شما.
۱۵. شعاع‌کاظمی، مهرانگیز، (۱۳۹۸ ش)، مهارت‌های قبل از ازدواج و رضامندی بعد از ازدواج، چاپ دوم، تهران: آوای نور.
۱۶. شمیسا، علی، (۱۳۹۴ ش)، همسرگزینی امروزی، چاپ اول، تهران: نسل نواندیش.
۱۷. شیخ‌الاسلامی، علی، (۱۳۹۵ ش)، اصول همسرگزینی و ازدواج موفق، چاپ اول، تهران: آوای نور.
۱۸. عباسی‌ولدی، محسن، (۱۳۹۱ ش)، نیمه دیگرم، چاپ اول، قم: جامعه‌الزهرا علیها السلام.

۱۹. قهاری، شهریانو، (۱۳۹۸ش)، مشاوره پیش از ازدواج، چاپ نهم، تهران: نشر قطره.
۲۰. گروه نویسندگان، (۱۳۹۱ش)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ دوم، تهران: نشر مدرسه.
۲۱. ملک محمد، فخری، (۱۳۹۵ش)، با چه کسی ازدواج کنم؟، چاپ اول، قم: قلم زنان.
۲۲. نوکس، دیوید و کارولین اسکاچ، (۱۳۹۶ش)، مقدمه‌ای بر ازدواج و خانواده، ترجمه کیومرث فرحبخش و دیگران، چاپ اول، تهران: آوای نور.
۲۳. وارن، نیل کلارک، (۱۳۸۱ش)، در جستجوی عشق زندگی، ترجمه مهدی قرچه‌داغی، چاپ چهارم، تهران: اوحدی.